

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۹۵ - ۳۲۰

آیین‌های مزدایی پذیرفته شده در اسلام با تاکید بر تشیع

رقیه محمدزاده^۱

عبدالحسین لطیفی^۲

موسی‌الرضا بخشی استاد^۳

چکیده

با گسترش اسلام و سپس پذیرش مذهب تشیع در ایران، برخی از رفتارها و رسوم پیشین که با ساختار فرهنگی و اصول اسلامی مذهب تشیع مطابقت نداشتند، به تدریج کنار گذاشته شد؛ اما تعدادی از آنها مانند آیین‌های مربوط به ازدواج، سوگواری، زیارت، زایش و... که با انگاره‌های اجتماعی و فرهنگ اسلامی معارض نبودند، به تدریج با تغییراتی در صورت و معنا با عناصر فرهنگ اسلامی درآمیخته و رنگ و بوی مذهبی یافتند؛ این نوشتار که به روش توصیفی - تحلیلی به نگارش درآمده است قصد دارد به بررسی برخی از مهم‌ترین آیین‌ها و اندیشه‌های ایران باستان که با ورود و نهادینه شدن اسلام در ایران صبغه مذهبی یافتند و همچنان تا زمان حاضر به حیات خود ادامه داده‌اند را، مورد واکاوی قرار دهد تا از این رهگذر آگاهی بیشتری از پیشینه فرهنگی ایران بدست آید.

واژگان کلیدی

آیین، اسلام، مزدایی، شیعه، فرهنگ.

۱. دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان تطبیقی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Rmohamadzadeh@gmail.com

۲. استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Hoseinlatifi89@gmail.com

۳. استادیار گروه آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
Email: Bakhshiostad56@cfu.ac.ir

طرح مسأله

آیین‌ها و بسیاری از آداب جشن‌ها و سوگواری‌ها که امروزه در بین ما ایرانیان رواج دارد از پیشینه و قدمتی بسیار طولانی برخوردارند؛ زیرا که پس از ورود اسلام، ایرانیان زرتشتی به سبب هم‌زیستی با مسلمانان و وجود رویه غالب اسلامی، بخشی از احکام و رفتارهای آیینی آنها را، در محدوده‌هایی که شرع مقدس اسلام منعی بر آن وارد نکرده بود به مجموعه پندارها و رفتارهای آیینی خود افزودند، تا از طریق تطبیق خود با ارزش‌ها و هنجارهای جدید اجتماعی، شکل و تمامیت خود را به عنوان یک قوم حفظ کرده و با رسیدن به تعادلی نوین از طریق ادغام‌پذیری اجتماعی و تداخل گروه‌های گوناگون، به نوعی سازش اجتماعی و هویت نسبتاً جدید دست یابند؛ بدین ترتیب جامعه ایرانی و دین اسلام به ویژه در سده‌های نخستین تمدن اسلامی تأثیرات متقابلی بر روی یکدیگر داشتند به عنوان مثال باور شیعه مبنی بر این که امامت به طور خاص بین افراد خاندان پیغمبر (اهل بیت) که عاملین الهام و ولایت الهی هستند، با اندیشه ایرانیان، یعنی توارث سلطنتی مطابقت داشته و در نظر ایرانیان پسندیده آمد، اسطوره بی‌بی شهربانو و سوگ سیاوش و ارتباط آن با تعزیه امام حسین (ع) نیز از مواردی دیگری هستند که پیوند ایرانیان را بیش از پیش با امامان و آموزه‌های شیعه استوارتر می‌ساخت. (احمدی / ۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۶۶) بدین ترتیب مذهب شیعه نه تنها هویت ایران و ایرانی را تحت تأثیر خود قرار داد، بلکه خود نیز عمیقاً با اندیشه و افکار ایرانی عجین گشت، به طوری که بسیاری از آداب و آیین‌هایی که امروزه در بین ما ایرانیان مسلمان رواج دارد و ما از گذشته آن تقریباً هیچ اطلاع دقیقی نداریم از پیشینه طولانی برخوردارند، لذا در این زمینه کتابها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده ولی هریک از آنها تنها به وجهی از این آیین‌ها پرداخته و بر جنبه پذیرش آن از طریق تشیع معمولاً اشاره خاصی نشده این در حالی است که ما در این مقاله بر پذیرش آیین‌ها با تأکید بر تشیع توجه داشته‌ایم زیرا که تعداد زیادی از آیین‌هایی را که امروزه در بین ما ایرانیان در حال اجرا است در میان برخی از کشورهای مسلمان عربی به هیچ عنوان مورد قبول نبوده یا اساساً آنها انجام آن را کفر تلقی می‌کنند براین اساس در هیچ یک از

کتابها و مقالات منتشر شده، به صورت خاص به موضوع « آیین‌های مزدایی پذیرفته شده در اسلام با تاکید بر تشیع » پرداخته نشده است، به عنوان مثال در آثاری همچون مقاله آیین کفن و دفن زرتشتیان، (آذرگشنسب/۱۳۴۸) و کتاب تاریخ کیش زرتشت (بویس / ۱۳۷۶) نیم نگاهی به فراز و فرود برخی از آیین‌های مشترک بین زرتشتیان و مسلمان شده است، کتایون مزداپور نیز در مقاله « تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران (مزداپور / ۱۳۸۳: ۱۴۷-۱۷۹) که در مجله فرهنگ به چاپ رسیده است، تغییر و تحولات برخی از آیین‌های زرتشتی و شرایط موثر بر این تغییرات را مورد بررسی قرار داده و گاه پیرامون پیشینه برخی از آیین‌ها توضیحاتی نیز داده است. از مقالات و کتابهای دیگری که با جزئیات بیشتری به این آیین‌ها پرداخته و آنها را مورد بررسی قرار داده‌اند می‌توان به کتاب آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز: نگرش و پژوهشی مردم‌شناختی: نوشته محمود روح الامین اشاره کرد؛ در این کتاب انواع جشن‌ها و شادی‌های ایرانیان باستان تا امروز از دیدگاه علم مردم‌شناسی شرح و بررسی شده و نویسنده در بخش نخست، در زمینه ویژگی‌های جشن‌ها، رده‌بندی آنها، پیوند جشن‌های کهن با اسطوره‌های دینی، تکنولوژی صنعتی و برگزاری جشن‌ها و نظایر آن مباحثی را مطرح می‌سازد و سپس به شرح برخی آیین‌ها و آداب و رسوم جشن‌ها می‌پردازد. فاطمه مدرسی در مقاله « آب در باور ایرانی»، که در مجله مطالعات ایرانی در شماره ۱۳ به چاپ رسیده است، پس از بررسی جایگاه آب در بین ملل و اقوام مختلف به دلایل اهمیت و ارزش آب در بین گروه‌های مختلف جامعه پرداخته، سپس با بررسی این عنصر حیاتی در اسلام به جهت فضیلت‌های آن در بحث تطهیر کنندگی و اهمیت آن در بین اقوام به تطبیق این ارزشها با آیین زرتشتی با تاکید بر اوستا پرداخته است.

محمد محمدی ملایری در کتاب تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی (محمدی ملایری/ ۱۳۷۹)، به تاثیر فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام به ویژه دوره ساسانی در تمدن اسلامی، همچنین شرح وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران در قرون نخستین اسلامی پرداخته است و هدف نویسنده شناساندن فرهنگ و ادب ساسانی- ایرانی و فرهنگ اسلامی- ایرانی می‌باشد.

با بررسی آثار گفته شده، می‌توان دریافت هیچ کدام از این نوشتارها به صورت خاص، موضوع آیین‌های مزدایی پذیرفته شده در اسلام با تاکید بر تشیع را که نوشتار حاضر متکفل پاسخ‌گویی به آن است را مورد بررسی قرار نداده‌اند. از این رو، می‌توان این مقاله را پژوهشی نو در این زمینه به شمار آورد، زیرا که بعد از گذشت صدها سال، حتی پس از اسلام هنوز تعداد زیادی از آداب و رسوم با کم و بیش دگرگونی‌هایی در میان اقوام متعدد ایرانی معمول است و بسیاری از افراد بدون اینکه از پیشینه آنها اطلاع دقیقی داشته باشند تنها به خاطر اینکه این آیین‌ها میراث گذشتگانمان است و سینه به سینه به آنها منتقل شده آنها را اجرا می‌کنند، در این میان دین اسلام به عنوان مدعی خاتمیت ادیان و زرتشت به عنوان کهن‌ترین ادیان الهی اشتراکات فراوانی در نوع آموزه‌های خود دارند که با مطالعه و کنکاش دقیق می‌توان ردپای بسیاری از این آیین‌های همسو و مشترک را جستجو نمود این اشتراکات بالاخص در میان زرتشتیان و شیعیان مسلمان به خوبی نمایان است، از جمله این آیین‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) زایش و آیین‌های مربوط به آن

نخستین باورها و مناسکی که از گذشته تا کنون درباره زایش به وجود آمده است، بخش مهمی از فرهنگ عامه مردم را بازتاب می‌دهد، عمق اهمیت و ارزش زایش در ضرب‌المثل «زن تا نزاید، بیگانه است» مشخص می‌گردد. از این رو، در ایران باستان از زمانی که زنی آبستن می‌شد، در هاله‌ای از آیین‌ها و مناسک «پاگشایی» قرار می‌گرفت به عنوان مثال معمولاً در تمام مدت بارداری و زمانی که کودک به دنیا می‌آمد، برای حفظ او از دیوان و جادوان و پریان باید به مدت سه شبانه روز آتش را روشن نگه می‌داشتن، زیرا؛ به عقیده آنان آتش پاک‌کننده پلیدی‌ها و آلودگی‌ها است، در کتاب سد در بندهشن فصل ۱۶ آمده نزدیک زن زائو و نوزاد باید تا سه شبانه روز و پیوسته چراغ یا آتشی فروخته داشت و فرزند را هم تا چهل روز نباید تنها گذاشت، زیرا که کودک نوزاد بسیار نازک است و با اندک گزندی از پای درآید؛ در عرف ایرانیان باستان چراغ و نور باعث بقاء نسل و دوام خانواده بود و عبارت معروف چراغ منزلتان روشن یا اجاقتان کور نشود، مصداق همین مسئله است؛ از طرفی زنان آبستن را از مشاهده مرده انسان یا حیوانات باز

داشته و نمی‌گذاشتند چشمشان بر هر گونه مناظر متأثر کننده یا اشیاء پلید افتد یا به زنی که باردار است اجازه نمی‌دهند (پورداد/ ۱۳۷۷: ۱۰۲) در خاکسپاری یا مراسم تدفین شخص مرده شرکت کند و زمانی که می‌خواهند حیوانی را قربانی کنند، اعتقاد بر این است که زن باردار در آن مکان نباید حضور داشته باشد، زیرا که این موضوع می‌تواند، تاثیر بدی بر روی نوزاد و مادر داشته باشد، از دیگر آیین‌های مهم بردن مادر و نوزاد در دهمین روز زایمان به حمام و غسل کردن آنها بود، گفتنی است تطهیر با آب یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تطهیر در جهان است لکن در آداب و مناسک زایمان، هم برای زانو و هم برای نوزاد گاهی شاهد تطهیر با انواع گیاهان نیز هستیم، با اندکی دقت متوجه می‌شویم که تمام این آیین‌ها همچنان در بین ایرانیان، با اندکی تغییر در حال اجراست، به خصوص که آبستنی و آیین‌های مربوط به زایش در ایران بسیار متنوع و باورها و اعتقادات موجود در این آیین‌ها از دیرباز در جهان بینی و مجموعه اعتقادات مادی و معنوی ایرانیان وجود داشته‌است.

در زمینه زایش و باروری الهه یا ایزد بانو آناهیتا جایگاه مهمی در آیین‌های ایرانی به خصوص ایران باستان دارد؛ این ایزد بانو به صورت الهه عشق و باروری درآمده و چون این باور وجود دارد که چشمه حیات از وی می‌جوشد «مادر خدا» تصور شده است، (پورداد/ ۱۳۷۷: بندهای ۱-۱۵) بنابراین به درگاه او به عنوان ایزدبانوی باروری زنان و دختران و برای سهولت در زایش و یافتن شوهر استغاثه می‌کردند؛ در یشت پنج نیز آمده است «دوشیزگان نازا از تو باید برای زایش و داشتن همسری دلیر یاری بخواهند و زنان باید از تو برای زایش خوب کمک طلب کنند. تو به آنان همه آنچه می‌خواهند، خواهی داد، ای پاک، ای تواناترین (پورداد/ بند ۸۷) شایان توجه این که آناهیتا در آبان یشت دوشیزه‌ای است زیبا با بازوان ستبر و سپید، برزمنده، کمر بر میان بسته، راست بالا، آزاده نژاد، و توانمند با کفش‌های زیبایی درخشان که آنها را با بندهای زرین به پا بسته که تا مچ پایش را پوشانده. او جامه گرانبهای پرچینی از پوست ببر بر تن دارد و گوشواره‌هایی زرین چهار گوشه‌ای بر گوش و گردن‌بندی بر گردن آویخته است، (پورداد، ۱۳۷۷: یشت ۶۴) در احادیث شیعه نیز می‌توانیم وصفی مشابه آناهیتا را در مورد حضرت فاطمه

زهرا(س) مشاهده کرد که به نظر میرسد، تحت تأثیر این ایزد بانو باشد. در این زمینه می‌توان این روایت در بحارالانوار را ذکر کرد: «آدم ابوالبشر نیز، نور زهرا را در بهشت مشاهده کرد. در بهشت قصری را دید که تختی در آن است و بر این تخت نور محبوبه خدا را دید، جمال دلربایش آدم را متوجه کرد، دید تاجی بر سرش و گردنبندی بر گردن و دو گوشواره در گوشهای اوست، آدم اشاره کرد این کیست؟ گفتند دختر پیغمبر آخرالزمان است. تاجی که بر سر دارد، اشاره به شوهرش علی (ع) و دو گوشواره او اشاره به فرزندان حسن و حسین است، غرض، اشباح نوریّه ائمه اطهار را خدا قبل از خلقت آنها خلق فرمود که در هر عالمی به صورتی تجلی می‌کردند. (مجلسی/۱۰۷۰: ۳۰۱) برخی از پژوهشگران (شورتهایم/ ۱۳۸۷: ۲۷۳) بر این باورند که در ذهن ایرانی، با گذشته مزدایی، فاطمه(س) به راحتی جانشین آنهایتا (دختر اهورا) شده و رابطه حسین(ع) و فاطمه(س) و علی(ع) تا حدودی نظیر رابطه آنهایتا با مظهر قربانی و میترا می‌تواند باشد، ناهید از سویی آفریده مهر و از سوی دیگر مادر مهر است (رضی/ ۱۳۸۱: ۵۰۸) این پیوند، نیز می‌تواند یادآور صفت «ام ایها» برای دختر پیامبر(ص) باشد. بدین صورت باور به آنهایتا در فرهنگ ایران چنان نیرومند بود که در دوران اسلامی نیز به شکلی دیگر همچنان در باورهای ایرانیان استمرار یافت. (پورداود/ ۱۳۷۷: بندهای ۱-۱۵)

ب) آب نیز از دوره نخستین به دو گونه با مفهوم باروری و بارداری پیوند یافت؛ اول به شکل باران و بعد به صورت زنی باردار که فرزند می‌آورد و این ولادت در لوا و پناه صورت می‌گیرد، اصطلاح اساطیری «از آب گرفته» یا «نجات از غرقاب» بیان رمزی بارداری و آبستنی است و تصور شاعرانه‌ای است که به وضع حمل مربوط می‌شود، بنابراین به لحاظ اساطیری آب جنسیتی مونث دارد، استاد بهار معتقد است که حتی آوردن آب از سرچشمه نیز کار زنان است نه کار مردان، زیرا چشمه مال زن است، هر چشمه ایزد بانویی دارد و اگر مرد به چشمه برود در حقیقت مانند این است که به حریم زنی تجاوز کرده‌است، چشمه‌های آب، نیز الهه آب هستند، همیشه باکره‌اند و درست نیست که مردان در آنجا حضور داشته باشند. (بهار/ ۱۳۷۴: ۲۸۶۶-۷)

امروزه بسیاری از القابی که ایرانیان زرتشتی در مورد الهه آنهایتا برشمرده‌اند، در میان

ایرانیان شیعه نسبت به بزرگ بانوی اسلام حضرت فاطمه (س) ذکر شده، برای نمونه در بین شیعیان حضرت فاطمه به «کوثر» معروف است (قرآن کریم/سوره کوثر). این لقب، برگرفته از نام و مضمون یکصد و هشتمین سوره قرآن می‌باشد که در آن از اعطای کوثر (به معنای خیر کثیر) به رسول خدا(ص) و ابتر بودن دشمن او سخن رفته است که به باور برخی از مفسران شیعی اشاره‌ای به دوام نسل نبی اکرم(ص) از طریق فاطمه(س) می‌باشد. یا این که خواندن تسیحات حضرت فاطمه (س) بعد از هر نماز و شبها قبل از خواب برای زنان باردار برای سهولت در امر زایمان بسیار مجرب است.

از سویی پاسداشت آب و احترام به این عنصر، از آداب بسیار کهن ایرانیان بوده چراکه از آن به عنوان یکی از اصیل‌ترین عناصر طبیعی و اصل حیات و عنصر تولد دوباره جسمانی و روحانی و نماد باروری، خلوص، حکمت، برکت، فضیلت و از مقامی والا و تقدسی خاص برخوردار بوده‌است، چنانکه در اندیشه مردمان ایران باستان آناهیتا الهه آبهای روان بوده، بنابراین آیین‌هایی جهت طلب باران در فصول برداشت محصول برای این ایزد بانو صورت می‌گرفت، در حالیکه به نظر می‌رسد در دین اسلام، ایزد بانوی آبها، از آن حضرت فاطمه علیه‌السلام می‌باشد، زیرا که در میان شیعیان نیز تداوم رسم کهن نیایش آب وجود دارد؛ تداوم این باور در دوران اسلامی با توسل جستن به حضرت زهرا(س) و خواندن نماز باران، همچنین یاری جستن از بانوان مطهر از تبار معصومین همراه است. آیین باران خواهی و توسل به حضرت زهرا(س) و حضرت عباس، سقای دشت کربلا، جایگزین نیایش‌های آب و توسل به آناهیتا شده‌است. در این دگرذیسی اگرچه صورت آیین حفظ شده و تداوم یافته، اما ماهیت به جای طلب باران از الهه آناهیتا به توسل به اشخاص مقدس برای وساطت و شفاعت نزد خداوند بدل شده‌است، شفاعتی که در قرآن به اذن خداوند است. (جوادی/۱۳۹۲: ۴۳-۵۰) بدین ترتیب در دوران پس از اسلام و بویژه در ادوار متأخرتر، حضرت فاطمه زهرا(س) برای بانوان ایرانی الگو و سرمشق بوده است همانگونه که آناهیتا هم در ادوار باستان به عنوان الهه آب و باروری و عشق و مادری، نماد کمال زن ایرانی می‌باشد.

پ) سیزده‌به در و آیین‌های مربوط به آن

سیزده، روز پایان دوره جشن‌های نوروزی است و در این روز مردم بر اساس یک سنت قدیمی از خانه‌ها بیرون آمده و به دشت و صحرا و باغ می‌روند تا آخرین روز عید را در طبیعت و کنار سبزه و گیاه و آب روان چشمه‌ها و جویبارها به شادی و خوشی بگذرانند؛ از دلایل شناخت و اهمیت سیزده‌به در از دوره باستان تا کنون می‌توان این گونه ذکر کرد که این روز، آخرین روز جشن‌های نوروزی است و گفته می‌شود سابقه‌ای دست کم چهار هزار ساله دارد؛ دوم این که در این روز عملاً نیمسال دوم زراعی آغاز می‌شده است و سومین دلیل چنین است که سیزدهم فروردین، نخستین «تیشتر روز» سال است؛ در این روز، مردمان ایرانی برای نیایش و گرامیداشت تیشتر، ایزد باران آور و نوید بخش سال نیک، به کشتزارها و مزارع خود می‌رفتند و در زمین تازه روئیده و سرسبز و آکنده از انبوه گل‌ها و گیاهان صحرائی، به شادی و ترانه‌سرایی و پایکوبی می‌پرداختند و از گردآوری سبزه‌های صحرائی و پختن آش و خوراکی‌های ویژه غافل نمی‌شدند. (دهباشی / ۱۳۸۸: ۵۹۹)

درباره علت نحس بودن این روز، برخی بر این باورند که شهرت سیزده‌به در به عنوان یک روز نحس از نخستین سال ظهور پیامبری زرتشت بوده است، بدین گونه که در آن سال سیزدهم فروردین ثابت بهاری با سیزدهم ماه قمری برابر افتاد و از این رو در نزد منجمان، روز بدشگون آمد. این بدان جهت بود که ستاره‌شناسان، روز استقبال را که ماه و خورشید روبروی هم قرار می‌گرفتند، نحس می‌دانستند و معتقد بودند که باید در این روز دست از کار کشید و از خانه بیرون شد. (هنری/۱۳۸۸: ۲۰۷) برخی نیز معتقدند، اندیشه ناخجستگی عدد سیزده و باور بدشگون بودن روز سیزده و شومی و نحسی آن در میان ایرانیان از اندیشه‌ها و باورهای غیر ایرانی نشأت گرفته است که احتمالاً از راه ارتباطات بازرگانی و فرهنگی به سرزمین ایران راه یافته است؛ چراکه نحس بودن عدد سیزده ارتباطی با فرهنگ ایرانی ندارد و متعلق به جوامع غربی و اروپایی است و پس از آشنایی و گسترش روابط ایرانیان با اروپاییان از عصر صفوی به بعد، به ایران راه یافته است (رضازاده شفیق / ۱۳۱۹: ۴) زیرا ایرانیان باستان هر روز از ماه را، به نامی می‌خواندند و سیزدهمین روز هر ماه

«تیرروز» نامیده می‌شد، تیر هم نام فرشته‌ای عزیز و نام ستاره‌ای بزرگ، نورانی و خجسته که متعلق به ایزد باران است و برای این که، این ایزد پیروز باشد، لازم بود که همه مردمان در نماز از او نام برند و او را بستایند و از او طلب باران کنند و گویا این روز، زمان رسمی همه مردم برای طلب باران، برای همه سرزمین‌های ایران بوده است؛ (برزآبادی فراهانی / ۱۳۹۰: ۲۱) به ویژه که براساس اساطیر ملی ایرانیان، در این روز سرحد ایران و توران با تیری که از کمان آرش رها شد، معلوم گشت و آن چنین است که میان افراسیاب که بر شهرهای ایران مسلط شده بود و منوچهر که در قلعه ترکستان متحصن گردیده بود، صلح می‌افتد و این دو موافقت می‌کنند که تیراندازی از لشکر منوچهر با همه توان خود تیری بیندازد و هر جا که آن تیر فرود آمد، مرز دو کشور تعیین شود به همین سبب، نه تنها در سیزدهمین این روز جشنی برپا می‌شود که هم چون نوروز و مهرگان و دیگر اعیاد خجسته و مبارک است، بلکه عدد سیزده یادآور روزی مبارک در فرهنگ ایرانی می‌شود.

از سوی دیگر بسیاری از رفتارها و آیین‌های مربوط به روز سیزده‌به‌در، صورتی نمادی و تمثیلی دارند به طوری که معنا و مفهوم خاصی را می‌رسانند؛ در معانی و مفاهیم اساطیری و تمثیلی این رفتارها و آیین‌ها، آراء و نظریات گوناگونی ابراز شده‌است، برای نمونه فره‌وشی، گره زدن سبزه را رسمی از روزگاران کهن می‌داند که در آن دوران آیین‌های مذهبی و جادویی به هم آمیخته بودند و هر کس آرزوی خود را عملاً به نوعی برای خود برآورده می‌کرد و می‌پنداشت، بدین طریق در تحقق آن تسریع خواهد شد و گره‌زدن دو شاخه سبزه در روزهای پایان زایش کیهانی را، تمثیلی از پیوند یک مرد و زن برای پایداری تسلسل زایش می‌انگارد؛ رسم بازی‌های برد و باختی و نمایش‌های پهلوانی و پیروزی یک تن یا گروهی بر دیگران و مسابقه اسب‌دوانی را هم نشانه‌ای از پیروزی ایزد باران بر دیو خشکسالی می‌پندارد. (دهباشی / ۱۳۸۸: ۶۲۱)

تاب خوردن در روز سیزده‌بدر نیز بازمانده‌ای از یک مراسم آیینی است که از گذشته‌های دور در ایران و دیگر جوامع و در بعضی از اعیاد به صورت خاص انجام می‌شد، در طول تاریخ، انسان‌ها همواره آرزویشان این بود که سر به آسمان ساینند و یا به حریم زندگی خدایان نزدیک شوند، برای همین در بعضی از کشورها تاب خوردن را

ممنوع و نشستن بر روی تاب و رفتن به سوی خورشید یا آسمان را کفر تلقی می‌کردند و هر کسی را که بدان کار مبادرت می‌ورزید، مجازات می‌کردند. (دانای علمی / ۱۳۹۳: ۱۵) ایرانیان شاید یکی از نادر مردمانی بودند که از ازمه گذشته به انجام این مراسم مباحثات می‌کردند و آن را برگرفته از اندیشه‌های جمشید، پایه‌گذار نوروز، می‌دانستند. به هر رو، انسان به طرُق مختلف خواهان نشست یا دیدار با کسانی بود که در ضمیر و تخیل خود آن را می‌پروراند و نماد تاب خوردن، یکی از همین موارد می‌تواند باشد، تاب خوردن آن‌چنان ریشه در گذشته‌های دور دارد که دختران و زنان ترکمن در روز عید قربان آن را انجام می‌دهند، بدون آنکه آن را بازی کودکانی تلقی کنند. (همان: ۱۵) اجزای اصلی تاب که درخت و طناب است، هر یک نماد مخصوص به خود ولی در کل یک معنا را دارا هستند، به ویژه این که باد هم در این سیر و سفر و رسیدن به آسمان و خورشید، نقشی به سزا دارد و آن رسیدن به آن چه به اعتقاد مردم از دوران پیش بنا به عللی از آن جدا مانده‌اند. بخشی دیگر از آیین‌های سیزده بدر را باورهای تشکیلی می‌دهند که به نوعی با تقدیر و سرنوشت در پیوند است، برای نمونه فال گوش ایستادن، فال‌گیری (به ویژه فال کوزه)، گره زدن سبزی و گشودن آن، بخت‌گشایی (که در سمرقند و بخارا رایج است) و نمونه‌های پرشمار دیگر...

بازی‌های گروهی، ترانه‌ها و رقص‌های دسته‌جمعی، گردآوری گیاهان صحرائی، خوراک‌پزی‌های عمومی، به خصوص خوردن غذای روز در دشت و صحرا نشانه همان فدیة گوسفند بریان (سروشیان / ۱۳۸۱: ۶۵۲) است که در اوستا آمده، در این روز مردم همه به دشت و صحرا می‌روند و از بامداد تا شامگاه به شادی و سرور می‌پردازند بامدادک پرانی، سوارکاری، نمایش‌های شاد، هم‌آوردجویی جوانان، آب‌پاشی و آب‌بازی بخشی از این آیین‌هاست که ریشه در باورها و فرهنگ اساطیری دارند؛ یا اینکه شادی کردن و خندیدن به معنی فروریختن اندیشه‌های پلید و تیره، روبوسی نماد آشتی، به آب سپردن سبزه سفره نوروزی نشانه هدیه و فدیة دادن به ایزد آب «آناهیتا» و ایزد باران و جویبارها و گره‌زدن علف برای شاهد قرار دادن مادر طبیعت در پیوند میان زن و مرد، ایجاد مسابقه‌های اسب‌دوانی که یادآور کشمکش ایزد باران و دیو خشک‌سالی است؛ (کلانتر، شجاعی /

۱۳۷۸: ۸۵) از این رو در روز سیزده به در، خانه‌ها، روستاها، و شهرها همه خالی است؛ در عوض دیوارها را که پشت سرگذاشتی بوستان‌ها و باغ‌ها، گلزارها، کنار رودها و چشمه‌ها در سراسر ایران زمین از مردم پراست و یکدم از شادی آرام ندارند.

اکنون هم مردم ایران در هر جایی که هستند سیزده نوروز را با شور، گرمی و سرور مانند گذشته در بیرون از خانه‌ها و در دشت و باغ و بوستان جشن می‌گیرند. برای گذراندن این روز در فضای باز طبیعت کوه و دشت آرزو می‌کنند که روز سیزده‌شان، روزی آفتابی و گرم باشد و حتی در برخی از مناطق سردسیر برای گرم و آفتابی شدن سیزده به اعمال جادویی دست می‌زنند. مثلاً بنا بر گزارشی از قهفرخ و چهارمحل، زنان برای آفتابی شدن روز سیزدهم چشم خروس خانه را سرمه می‌کشند، یا اگر بارندگی از روزهای پیش از سیزده ادامه داشته باشد، برای بند آمدن آن اسم چهار تن بی مو یا کم مو را می‌شمارند و بر نخ می‌دمند و با هر نام گرهی بر نخ می‌زنند. بعد نخ گره زده را زیر ناودان آویزان می‌کنند. (شفیعی ۱۳۵۶: ۷۶)

ت) سوگواری آداب مربوط به مردگان

از مهم‌ترین مناسک و آیین‌ها در بین اقوام و ملل، بدون در نظر گرفتن جغرافیا، زبان، نژاد و تاریخ، آیین‌های مربوط به سوگواری است.

در بین ایرانیان از گذشته تاکنون آیین‌های متعددی برای سوگواری و آداب مربوط به مردگان برقرار بوده به گونه‌ای که از همان ابتدا سنت‌ها و آیین‌های مرگ در آیین زرتشت و اسلام در کنشی متقابل تأثیر و تأثر دوسویه برهم داشته‌اند، به عنوان مثال از نظر هر دو دین، پس از جدا شدن روح از بدن، جسم ریمنی (ناپاک) خواهد شد، به طوری اگر کسی به آن دست بزند باید غسل کند (اوستا/وندید-۷-خمینی^۱ / ۱۳۹۲: ۳۹۳-۴) به همین دلیل انتقال بدن در گذشته به منزل آخر، باید هر چه زودتر و با آیین ویژه‌ای انجام گیرد، لذا

۱. توضیح المسائل یا رساله عملیه، کتاب‌هایی مشتمل بر احکام شرعی و فتاوی مجتهدی مشخص است. توضیح المسائلها برای دسترسی مقلدان به فتاوی مرجع تقلیدشان تدوین می‌شوند. مردم با مراجعه به توضیح المسائل طبق نظر مراجع تقلید به تکالیف دینی خود عمل می‌کنند رساله «توضیح المسائل» حضرت امام خمینی (س) مجموعه ای از فتاوی ایشان است که توسط اعضای دفتر استفتائات تصحیح شده است.

در بین زرتشتیان از همان ابتدا رسم بر این بود که در حمل جسد کمک می‌کردند و این کار را ثواب می‌دانستند، نظر به انطباق این رسم با سنت مشابه اسلامی، تا مدت‌ها هیچ تغییر محسوسی در آن پدید نیامد. (گشتاسب/۱۳۹۴: ۷۵۶). البته در آیین اسلام نیز همانند زرتشت هنگامی که بدن میت گرم است لمس کردن وی اشکال ندارد. (خمینی/۱۳۹۲: ۵۲۲) اما اگر بدن وی سرد شد، پس از مسح وی باید غسل کرد و غسل آن را نیز «غسل مسح میت» نامیده می‌شود، (خمینی / ۱۳۷۰: ۶۳) از نظر اسلام، میت در این هنگام نجس است و باید وی را غسل داد تا پاک شود، گفته می‌شود شاید بخشی از این موضوع به تأسی از آیین زرتشت باشد، در آیات و روایات اسلامی متعددی گفته شده که، در تکفین و تدفین میت باید عجله کرد زیرا که در روایتی از رسول اکرم (ص) تأکید شده است که اگر میت قبل از ظهر از دنیا رفت طوری او را خاک کنید که قیلوله ظهر را در قبر انجام دهد، (کلینی/۱۴۰۷: ۱۲۸) مراد از این روایت آن است که در کفن و دفن میت باید تعجیل کرد. به نظر می‌رسد، تعجیل در حالت معمولی استحباب دارد و در صورتی که خوف فاسد شدن یا از بین رفتن جنازه باشد، به مرحلهٔ وجوب می‌رسد، حال اگر به دلیلی دفن میت به تأخیر بیفتد، مستحب است بالای سرش قرآن خوانده شود و برخی منابع لزوم به روشن کردن چراغ نزد وی را نیز بیان کرده‌اند. به نظر می‌رسد، این رسم تحت تاثیر آیین مزدایی است و استدلال به نور و روشنایی و ذم تاریکی متأثر از رسوم زرتشتیان باشد، زیرا که روشن کردن چراغ یا لامپ در مراسم‌های عزاداری هنوز هم در بین ایرانیان مرسوم است. شایان ذکر است، امروزه معمولاً این رسم به صورت چراغ‌های حجله یا چراغ‌های منفرد دیگر اجرا می‌شود. از دیگر آیین‌های مهمی که در بین ایرانیان زرتشتی برای درگذشتگان انجام می‌شود، مراسمی است که در شب و روز اول به وسیلهٔ موبدان در خانه در گذشته برگزار می‌شود و خویشان در گذشته نیز در آن شرکت می‌کنند، بدین ترتیب که پس از غروب آفتاب موبدان نماز آفرینگان می‌خوانند، چون براین باورند که این نمازها روان در گذشته را در انتقال از این جهان به جهان دیگر یاری می‌دهد، در پگاه روز چهارم نیز پیش از برآمدن آفتاب، خویشاوندان و دوستان در گذشته به یاد در گذشته و برای آسایش روان او اهورامزدا را ستایش می‌کنند و همچنین در آن جا با موبد پیوند می‌گذارند

که پس از آن نیز برای روان در گذشته دعا خوانده روان او را از یاد نبرند. پس از روز چهارم، مراسمی هم روز دهم، روز سی‌ام ماه و سر سال برای او برگزار می‌شود؛ بر این اساس برگزاری مراسم خاکسپاری، سوم، هفتم و چهلم از جمله آیین‌های عزاداری به سبک و شیوه ایرانی‌ها هستند. (مزداپور / ۱۳۸۳: ۵۲) امروزه نیز در ایران مرسوم است که برخلاف سنت کهن عرب که مرده را در شب به خاک می‌سپردند، مراسم تدفین در روز روشن و قبل از غروب خورشید انجام گیرد، در صورتی که کسی بعد از غروب خورشید در گذرد با گرد آمدن آشنایان و تهیه لوازم مورد نیاز که تا هنگام غروب به طول انجامد، مراسم تدفین به روز بعد موکول می‌گردد و از دفن شبانه پرهیز می‌شود، به گمان بسیاری از خاورشناسان، از جمله بویس، که به این قطعه از وندیداد استناد می‌کند: «آنان باید اگر بتوانند استودانی با سنگ و ساروج و خاک برپا کنند و اگر نتوانند باید پیکر مرده را زیر تابش ستارگان و ماه و خورشید، برهنه روی فرش و بالشی که از آن او بوده است، بر زمین بگذارند.» (اوستا / ۱۳۷۱: ۷۲۸) زردشتیان بر تابش نور پالاینده خورشید بر جنازه برای زدودن اندکی از آلودگی‌های آن تأکید دارند؛ ضمن آن که در باور آنان، شب زمان جولان اهریمن و یاران اوست، در آیین‌های کنونی ایران اسلامی انجام مراسم در زیر نور خورشید همچنان اعتبار خود را حفظ کرده است. (همان)

مراسم روز سوم

از گذشته‌های دور تاکنون سه عددی سعد و نافذ در کیش ایرانی است و شاید از این رو، مراسم روز سوم از آیین‌هایی است که ریشه‌ای بسیار تاریخی دارد تا آنجا که پس از فتح ایران از سوی اعراب به جهت اختلاط فرهنگ‌های ایرانی و اسلامی همچنان پایدار ماند و تاکنون همچنان از رسوم مهم و رایج برای فرد در گذشته در بین ایرانیان است. (برومند / ۱۳۷۰: ۴۲) زرتشتیان این مراسم را با نام «سد^۱، سذ یا سدوش» (کشتاسب / ۹۹-۱۰۵) و با حضور خویشاوندان و دوستان در گذشته در منزل او برگزار می‌کردند؛ ریشه این آیین را در متون هادخت نسک، روایت پهلوی، گزیده‌های زادسپرم و مینوی خرد می‌توان

یافت. (تفضلی/۱۳۵۴: ۳۶) بر این اساس مراسم ختم، سه روز پس از فوت برگزار می‌شود. در این سه روز معمولاً رسم آتش بر مزار فرد فوت شده (امروزه از شمع استفاده می‌کنند) انجام می‌گیرد که قطعاً از رسوم زرتشتی بسیار کهن است در بندهشن آمده است هنگامی که شخصی فوت کند، تا سه شب ویزرش دیو و دیگر دیوان به او حمله می‌کنند و او پشت به آتش کرده، نمی‌گذارد دیوان به او بتازند. (دلدادگی / ۱۳۶۹: ۱۲۹). از دیگر سو براساس اعتقادات زرتشتیان روح مرده تا سه روز، محل فوت را ترک نمی‌کند، در فرگرد دوم و سوم هادخت نسک (میرفخرایی/۱۳۸۶: ۷۴-۷۱، فرگرد دوم/۱۱۲) در این مورد آمده است که روان انسان «چه نیکوکار و چه گنه‌کار» پس از سه شب بر روی زمین و کنار جسد می‌ماند و نزدیک سر می‌نشیند. در متن‌هایی مانند روایت پهلوی، (میرفخرایی/۱۳۶۷: ۳۵-۳۶) گزیده‌های زادسپرم (راشد محصل / ۱۳۶۶: ۵۳-۵۴) و مینوی خرد (تفضلی/۱۳۸۰: ۱۶-۱۸) نیز، روان پس از مرگ تا سه روز بر بالین جسد خویش نزدیک سر می‌نشیند و در بیم است. در سنت‌های باستانی، روان پیش از عزیمت از زمین تا سه روز در دور و بر کاشانه و محل‌های آمد و رفت آشنای خود پرسه می‌زند و تا سه شبانه روز روان به بالین تن نشیند.

بدین ترتیب در فرهنگ مردم ایران، مهم‌ترین مجلس بزرگداشت در سومین روز پس از خاکسپاری، در خانه در گذشته برگزار می‌شود. در این روز توجه به مسائل فقهی و شریعت اسلامی و همچنین آداب و رسوم خاصی که مردم برخی از مناطق در ایران داشتند حائز اهمیت است به عنوان مثال در آیین اسلام به خاطر شرایط خانواده عزادار وظیفه طعام دادن به ایشان بر عهده اطرافیان و نزدیکان خانواده در گذشته می‌باشد، البته در کتب فقهی نیز به این سه روز و همین‌طور طعام دادن خانواده مصیبت‌دیده که باید از طرف اطرافیان انجام شود اشاره شده است، به عنوان مثال روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان فرمودند: برای متوفا، از روزی که فوت کرده است سه روز مجلس عزا و مصیبت برپا کنید، امروزه هم کسانی که در مراسم تدفین شرکت می‌نمایند میهمان فرد در گذشته محسوب می‌شوند و به بهترین وجهی که در توان خانواده اوست مورد پذیرایی قرار می‌گیرند، از این رو مهم‌ترین مراسم در میان مسلمانان مراسم روز سوم است در حالی که این زمان در میان زرتشتیان به چندین مراسم تا نهایت ۳۰ سال بعد از مرگ در گذشته

می‌انجامد.

بدون تردید در عزاداری اسلامی، سه روز عزاداری برای شخص در گذشته وجود داشته و مورد تأکید و ظاهراً بیش از سه روز مقبول نبوده و فقط بر مراسم اربعین سیدالشهدا، آن هم به دلیل بعد اجتماعی آن تأکید شده است. از این رو حتی عزاداری برای ائمه و بزرگان نیز مرسوم نبوده؛ امروزه مراسم روز سوم در بین اقوام و گروه‌های مختلف اجتماعی کشورمان دارای اهمیت زیادی است این در صورتی است که عدد سه نیز در بسیاری از موارد در بین اقشار جامعه و همین طور بسیاری از روستاها و اقوام مورد تأکید است؛ به عنوان مثال مردمان استان لرستان تابوت را سه مرتبه تا رسیدن به گورستان زمین می‌گذارند و سپس بلند می‌کنند و یا سه مرتبه دور خانه در گذشته می‌گردانند البته در آیین‌های عامه در برخی از روستاها امروزه نیز تا سه شب پس از مرگ، قبر میت را نگهداری می‌دهند؛ زیرا که برای باورند که روح در این سه شب از ترس گناهان خود و عذاب آن جهانی سرگردان است و با نگهداری کردن قبر میت می‌توانند، این عذاب را کاهش دهند. همچنین در برخی نقاط، علت روشن کردن شمع و چراغ بر روی قبر را تا سه شب، برای این می‌دانند که معتقدند با این عمل می‌توانند راه میت را هنگام رفتن به جهان پس از مرگ روشن کنند. (میرفخرایی/۱۳۸۶) البته هم‌اکنون آداب مرسوم در میان ایرانیان مسلمان گسترش رسوم به هفتم، چهلم، سال و گاه سال‌های متعدد است. به نظر می‌رسد که بخشی از این آداب و آیین‌ها متأثر از آیین‌های سوگواری زرتشتیان است؛ به عنوان مثال مراسم عزاداری به گویش بلوچی - سروانی^۱ و به گویش زاهدانی پاتیا نامیده می‌شود. (بهرامی/۱۳۷۱:۳۸۸) در این مراسم نزدیک‌ترین فرد به در گذشته سه روز در خانه می‌ماند و مردم روستا و خویشاوندان در این مدت برای تسلی خاطر او به دیدنش می‌روند. در این هنگام بستگان به صاحب عزا می‌گویند: «خدا تیره دلداری دنت». روز سوم به عمل طبخ و توزیع غذا می‌پردازند و در روز چهارم اهالی را دعوت می‌کنند و پس از صرف ناهار برای آرمزش روح مرده فاتحه پاتیا می‌خوانند. به نظر می‌رسد این رسم از همان دوران باستان به جا مانده است و تا امروز نیز برگزار می‌شود؛ امروزه آن چه در منابع اسلامی مورد تأکید

است بزرگداشت اموات و فرستادن هدیه معنوی مانند قرائت قرآن و خیرات و مبرات برای آنها است. ولی برگزاری مراسم سوم و هفتم و چهلم و سالگرد و امثال آنها در این منابع وارد نشده هدف این مراسم یاد خیر از اموات و فرستادن هدیه و فاتحه و خیرات برای آنها است. پس در روایات چهلم و سالگرد گرفتن برای میت نیامده است بلکه این یک رسم عرفی است که به خاطر تعظیم و احترام میت گرفته می‌شود تا احسان و ثواب در حق ایشان باشد.

از سویی حضور عدد هفت در آیین‌های مربوط به مرگ بسیار کمتر مشاهده شده است. به عنوان مثال اغلب مردان تا هفت روز ریش خود را اصلاح نمی‌کردند (امروزه نیز این رسم تا حد زیادی برای خویشاوندان فرد در گذشته هست) یا هفت قدم به دنبال تابوت رفتن نیز در برخی از مناطق اهمیت داشته‌است؛ یا به عنوان نمونه هنگامی که مرده را دفن می‌کنند، هفت قدم دور می‌شوند، سپس دوباره برمی‌گردند، چون اعتقاد دارند در گذشته چشم به راه است.

از پیشینه مراسم چهلم در گذشته نیز باید گفت که سکاها از جمله اقوام باستانی بودند که در فلات ایران می‌زیستند و برنوع نگرش و آداب و رسوم مردم منطقه تأثیرات بسیاری گذاشتند؛ آنها همچون سایر اقوام آیین خاصی برای دفن مردگان داشتند، مثلاً در مراسم تدفین پادشاه در گذشته رسم بر این بود که ابتدا شکم او را شکافته و پس از تخلیه امعاء و احشاء درون شکم را با ادویه و کندر پر می‌کردند؛ سپس بدن او را مومیایی کرده و تا چهل روز در اطراف کشور می‌گرداندند و آنگاه در مقبره عمومی پادشاهان به خاک می‌سپردند. (Herodotus, 2009: 375) شایان ذکر است که گریستن، خنج بر چهره کشیدن، موی کردن در مراسم سوگواری نیز یادگاری است که از اقوام سکایی و سغدی به جا مانده‌است، زیرا چراکه مویه کردن بر مرده در آیین زردتشت مکروه به شمار می‌آید (تفضلی / ۱۳۸۰: ۲۹ و ۴۳) و آنها بر این باورند که مویه بر مرگ کسان باعث آزار آنان در عالم ارواح شده و هر قطره اشکی که ریخته شود راه عبور مرده به جهان باقی را دشوارتر می‌سازد. از این رو، امروزه در سی و نهمین روز به خاک سپردن مرده، صاحبان عزا گور مرده‌شان را «پا می‌گیرند» و بر روی مزار سنگ، کار می‌گذارند. پس از پاگرفتن سنگ،

روی مزار و اطرافش را با قالی و قالیچه می‌پوشانند و چند گلدان گل و چند ظرف شیرینی و میوه و خرما و شکرپنیر و حلوا روی آن می‌چینند. سپس در بعداز ظهر، صاحبان عزا با خویشان و آشنایان به سر خاک می‌روند و بر سر مزار، مداحی و مرثیه و روضه می‌خوانند؛ این در حالی است که این زمان در میان زرتشتیان شامل چندین مراسم، تا نهایت ۳۰ سال بعد از مرگ در گذشته است. که البته تعدادی از این زمانها در بین ایرانیان مسلمان (شیعه) گسترش پیدا کرده است به عنوان مثال امروزه در بین خانواده‌های فوت شده علاوه بر برگزاری مراسم روز سوم مراسمی هم به عنوان روز هفتم، چهلم و حتی در مواقعی در روزهای پنجشنبه برای درگذشتگان برگزار می‌شود، در صورتی که در هیچ کدام از منابع و روایات موجود در اسلام تاکید یا حتی سخنی از آنها به میان نیامده و در دیگر کشورهای اسلامی که اغلب اهل تسنن هستند، هیچ موارد خاصی از این آیین‌ها دیده نمی‌شود، قطعاً از دلایل برگزاری این آیین‌ها به خاطر همان پیشینه و گذشته ایرانیان می‌باشد که از ابتدا این مراسم را برگزار می‌کردند ولی پس از گروش به اسلام و عدم مغایرت این آیین‌ها با مبانی اسلام همچنان در فرهنگ ایرانی ادامه یافت. امروزه با وجود این که اقوام مختلف کشور از نظر فرهنگ، آداب و رسوم، عقاید و باورها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، برگزاری مراسم خاکسپاری و سوگواری سوم، هفتم و چهلم از جمله از اشتراکات فرهنگی آنان به شمار می‌رود که بدیهی است بخش قابل توجهی از آن آداب متأثر از آیین‌های سوگواری زرتشتی است.

زیارت قبور در پنجشنبه آخر سال

بزرگداشت روان در گذشتگان و یادآوری مردگان در آخرین روزهای پایان سال، به ویژه در آخرین شب جمعه سال، بازمانده‌ای از آیین‌های نیاپرستی در جامعه‌های دوران باستان است؛ ارتباط نوروز و مردگان را هنوز ایرانیان با دیدار پیش از عید از گور مردگان‌شان و افروختن چراغ بر گورها و گذاشتن غذا بر بام‌ها برای فروشی مردگان می‌توان مشاهده کرد.

در قدیم به روز یا شب پیش از نوروز فرستاف یا فرستافه می‌گفتند که مرکب از «فرست» به اضاف «ناف» به معنی نافه فرستاده شده است. توضیح اینکه پارسیان قدیم در

شب عید نوروز برای دوستان خود نafe می‌فرستادند تا خانه و محفل و لباس خود را بدان معطر سازند.

فرستاف شب، بر تو نوروز باد شبان سیه بر تو چون روز باد

اگرچه امروزه این رسم به صورت فرستادن نafe، متروک است اما اغلب در شب پیش از عید سمنو یا میوه یا خوراکیهایی که در اختیار بعضی از دوستان و آشنایان است برای دیگران فرستاده می‌شود و آن را به فال نیک می‌گیرند و به یاد مردگان و پذیرایی از ارواح آنان و اعتراف به گناهان به دعا و نیایش می‌گذرانند (رستگار فسائی / ۱۳۷۰: ۲۷)؛ در قدیم رسم بود که خوردنی و میوه نیز همراه فانوس و آتش روی بامهای خانه و درون اتاقها و بر سر گور مردگان در گورستانها می‌گذاشتند و دسته‌های گیاه و سبزه را سر بامها می‌آویختند. ابوریحان بیرونی در این باره می‌نویسد: «مردم در روزهای ویژه فروردگان برای روان‌های مردگان خورش و شراب می‌نهند و می‌گفتند که مردگان می‌آیند و از آن غذا می‌گیرند»، بر اساس آنچه که در سیزدهمین یشت یعنی فروردین یشت آمده است، ارواح در پنج روز پایانی سال به زمین آمده و می‌گویند: «که ما را خواهد ستود؟ که ستایش خواهد کرد؟ که آفرین خواهد کرد؟ که پذیرایی خواهد کرد؟ با دست‌های دارای گوشت، دارای جامه، با نمازی که با آن به راستی می‌توان رسید؛ که اینک نام ما را خواهد ستود؟ که، فرورهای روان شما را ستایش خواهد کرد؟ (مولایی / ۱۳۸۲: ۹۸) به که، این پاداش ما داده خواهد شد؟ که او را خوراک زیان ناپذیر باشد برای همیشه و جاودان. حتی امروزه هم ستایش فروهر در گذشته، بخش مهمی از مراسم بزرگداشت در گذشته در آیین هَمَسَپَدَمَدَم را تشکیل می‌دهد؛ (مولایی / ۱۹-۲۱) همین طور در یک متن پهلوی مرسوم به روز اورمزد، ماه فروردین درباره‌ی ده روز فروردین و فروردینگان (آموزگار / ۱۳۷۴: ۵۷۴) مطالبی آمده که تداوم این روزها را در میان ایرانیان در دوره اسلامی تاریخ ایران تا به امروز نشان داده و آن این که چنین روزهایی، ایام فرود آمدن ارواح درگذشتگان میان خان و مان خویش است، حال یا نیکوکار و مومن و صالح بوده باشد یا نه.

شب‌های پایان سال، به ویژه شب جمعه آخر سال به زیارت ارواح و درگذشتگان به گورستان‌ها رفتن و بر سر گور خوان گستردن، شمع افروختن و در خانه سفره هفت سین

گسترده و شمع و لاله روشن کردن و به یاد و برای پذیرایی فروشی‌ها و ارواح، خانه را روفتن و خود را پاکیزه کردن و غسل و شست و شو کردن و شادی نمودن و بسیاری دیگر به همین جهت است. البته این موضوع دارای ارزش و اعتباری بسیاری است چراکه قدمت و اصالت چنین باورها، سنت‌ها، مراسم و آدابی را که بسیار نیکوست، به دوران ساسانیان و ایران زرتشتی باز می‌گردد. (مزداپور/ ۱۳۷۸: ۲۶۶-۲۸۰)

براین اساس مطابق اعتقادات زرتشتیان، روان در گذشتگان در روزهای پایانی سال و همچنین عید نوروز به دیدار بازماندگان می‌آیند. از این‌رو زرتشتیان در این روزها به قبور مردگان سر می‌زنند و برای آنها نذر و خیرات می‌کنند. این رسم امروزه هم در میان ما ایرانیان دیده می‌شود، در آخرین پنج‌شنبه سال با عنوان «پنج‌شنبه آخر سال» ایرانیان به زیارت قبور می‌روند و خیرات می‌کنند. البته برخی نیز این کارها را در روز عید نوروز انجام می‌دهند، بسیار محتمل است که این نیز برگرفته از رسوم زرتشتیان باشد، زیرا که تقویم مسلمانان براساس سنت اسلامی با تقویم زرتشتیان که براساس تقویم ایران کهن است تفاوت دارد ولی با وجود این، مردم مسلمان ایران هنوز به این رسم احترام گذاشته و در شب پایان سال به دیدار قبور می‌روند.

ث) زیارت و زیارتگاه

از دیگر آداب و رسوم و آئین‌هایی که میان زرتشتیان و مسلمانان مشابهت دارد، می‌توان به آئین مزارهای مقدس و زیارت اشاره کرد. نخستین نیایشگاه‌ها در راستای ارج‌گذاری به پدیده‌های نیک هستی و برپایی آیین‌های طبیعی بنا شده‌اند؛ براین اساس موضوع زیارت از دیرباز تاکنون بخش بسیار مهمی از زندگی زرتشتیان ایران را تشکیل داده است، به گونه‌ای که هر دهکده زرتشتی در ناحیه یزد زیارتگاه‌های کوچک خاص خود را دارد که به ایزدان گوناگون به ویژه به مهر، وهرام، سروش و اشتاد اختصاص دارند. (مزداپور/ ۱۳۸۷: ۲۸۰-۲۶۶) در میان شیعیان آیین‌های زیارت از سابقه‌ای کهن برخوردارند این در حالی است که در میان فرق سنی اساساً زیارتگاه و مرقد از اهمیت چندانی برخوردار نیست، به عنوان مثال امرای کشورهای عربی بعد از مرگشان خیلی ساده و غالباً بدون بقعه دفن می‌شوند، در حالیکه این موضوع در بین ایرانیان به دلیل تاثیر فرهنگ

ایرانی، کاملاً متفاوت است، چنانکه ساختن بقعه به عنوان یک ارزش و وجود امامزاده‌ها از چنان اعتباری برخوردار است که در بسیاری از موارد دلایل عمده تأسیس اولیه یا توسعه بعدی شهرها به شمار می‌آیند. از سویی امروزه یکی از مسائل اختلافی حکم فقهی ساختن بارگاه بر قبور اولیاء و صالحان و حرمت خواندن دعا در این مکان‌ها می‌باشد. وهابیان چنین کارهایی را حرام و مشرکانه دانسته و به شدت آن را محکوم می‌کنند؛ ابن تیمیه نیز در این باره می‌نویسد: «حرم‌های ساخته شده بر قبور انبیاء و صالحان و اهل بیت (علیهم السلام)، تماماً از بدعت‌های حرامی است که در دین اسلام ایجاد شده و برخلاف دین الهی و نوعی شرک است». (ابن تیمیه/۷۲۸ق:۴۱- ابن قیم الجوزی/۷۵۱ق:۵۰۴) در صورتی که، گزارش‌های فراوانی در کتاب‌ها و منابع اهل سنت از اهتمام ویژه صحابه و تابعان به ساختن بنا بر قبور حکایت دارد (الهمدانی/۱۳۲۲ق:۴۲۸)؛ به عنوان نمونه قبر پیامبر و بسیاری از صحابه آن حضرت همواره مورد تکریم مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون بوده است. (پورامینی/۱۳۹۲:۳۳) بدین ترتیب اهمیت زیارت در فرهنگ شیعی، بیشتر از دیگر مذاهب است، به ویژه آن که شیعیان علاوه بر زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به زیارت امامان اهل بیت نیز بسیار اهتمام دارند. در مذهب شیعه، زیارت امامان، جزئی از آیین‌های مهم مذهبی به شمار می‌آید؛ زیرا زیارت معصومان در نظرگاه شیعی از نشانه‌ها و لوازم وفاداری به آرمانهای ایشان و به جای آوردن حق ولایت آن‌ها است؛ از این نظرگاه، پیامبر و امامان دارای مقام ولایت هستند و حتی پس از مرگ نیز مقام آنان محفوظ است. (کردی/۱۳۸۰: ۳۶)

از اینرو، سیر تاریخی فرهنگ زیارت در تاریخ پس از اسلام را باید با توجه به پیشینه فرهنگ زیارت در ایران پیش از اسلام ارزیابی کرد. با ورود اسلام به ایران و دهه‌های بعد از آن خاندان علوی و بسیاری از دوستان آن‌ها به شهادت می‌رسیدند و مردم ایران بنا بر قدمت پاسداری از خون بیگناهان که سالیان دراز بر خون سیاوش می‌گریستند؛ بر مزار آن‌ها مقبره‌هایی هر چند کوچک و در حد نمادی برای تشخیص قرار دادند. آن‌ها در ابتدا بسیاری از آداب زرتشتی را نیز در آداب اسلامی به کار گرفتند. از جمله بوسیدن مزار، خواستن حواجی از مزار و صاحب قبر و ...

نتیجه گیری

فرجام سخن آن که واکاوی عقاید و باورهای اقوام مختلف و مقایسه آن با باورهای ایرانی پس زمینه‌هایی تا حدی مشابه البته با تفاوت‌های جزئی را به خصوص در برخی از آیین‌ها به خوبی نشان می‌دهد، چنانچه می‌توان گفت بسیاری از آنچه که امروزه به عنوان آداب و رسوم میان اقوام مختلف باقی مانده بازمانده باورها و رفتار ملتی با قدمتی طولانی است که به مرور و با شرایط زمانه هم‌ساز گشته است زیرا که هیچ تمدنی در خلاء به وجود نمی‌آید و هر تمدنی میراث‌دار گذشته خود است که در نسبتی معنادار با آن قرار دارد، به عنوان مثال اوصافی را که ایرانیان زرتشتی درباره آن‌ها به عنوان الهه و ایزد بانوی باروری و عشق در ایران باستان تلقی می‌کردند گاهاً در مورد حضرت فاطمه زهرا (س) پس از اسلام مشاهده می‌شود، در آیین‌های مربوط به زایش و سیزده‌به‌در هم همین‌طور است به خصوص که اصلاً روایت و یا مطلبی در اسلام در مورد آنها بیان نشده و مردمان تنها براساس آنچه که در گذشته نیاکانمان انجام می‌دادند مراسم و آیین‌هایی را به جا می‌آورند، براین اساس ورود اسلام به ایران علاوه بر این که بر جنبه‌های سیاسی و نظامی تاثیر به سزایی داشت، از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز بر جامعه تاثیرگذار بود به خصوص که این اثرگذاری را در برخی از آیین‌ها می‌توان به خوبی مشاهده کرد از آن جمله این که ایرانیان سعی بر آن داشتند تا آیین‌های خود را تا آنجا که مغایرتی با مبانی اسلامی، دستورات و موازین فقهی نداشت را اجرا کنند؛ در این زمینه آیین‌های مربوط به سوگواری زایش و تولد نوزاد، آداب مربوط به زیارت و زیارتگاه‌ها، احترام و تقدس آب، آیین‌های مربوط به سیزده‌بدر و نوروز را شاید بتوان از مهم‌ترین آنها ذکر کرد چنانکه مراسم مربوط به درگذشتگان از سه روز به هفت روز، سی روز، چهلم و سالگرد گسترش یافت، رفتن به سر قبر در پنج شبه آخر هفته یا شب جمعه آخر سال نیز، از مواردی بود که نه تنها در کتابهای فقهی و اسلامی پیشینه‌ای ندارد بلکه در صدر اسلام نیز خبری از این آیین‌ها نبود و تنها در یک مورد و آن هم مربوط به اربعین امام حسین (ع) دیده می‌شود و اگرچه سعی شده آداب و آیین‌های سوگواری بر طبق دستورات و موازین اسلامی و فقهی انجام شود

اما در این میان نمی‌توان تاثیر فرهنگ باستانی را نادیده گرفت چه این که برخی از رسوم گذشته هنوز هم در بین مناطقی در میان مسلمانان تا به امروز برگزار می‌شود. به خاک سپردن در روز و انفاق برای فرد در گذشته نیز از همین موارد است؛ البته در مورد آداب مربوط به زیارت نیز می‌توان گفت که در اکثر موارد زیارت ایرانیان شیعه شباهت چندانی به زیارت اهل تسنن ندارد، حتی در مواردی نیز گفته می‌شود که اهل سنت گاهاً نحوه زیارت شیعیان را قبول ندارند و اجرای آنرا کفر می‌دانند از آن جمله ساختن مرقد و بارگاه و یا در برخی موارد خواندن زیارت نامه در حرم بزرگان دینی را حرام می‌دانند و کفر قلمداد می‌کنند، این در صورتی است که شیعه تمام همت و سعی خود را در جهت حفاظت و صیانت از سنت پیامبر(ص) - چه از جهت تدوین سنت و چه از جهت شرح و بسط آن - گذاشته و علمای ما تلاش‌های وسیعی در این زمینه از قرون اولیه تا هم اکنون داشته و دارند.

با توجه به مطالب بیان شده برخی از آداب و رسوم بعد از گذشته سالیان دراز هنوز هم در بین اقوام مختلف تا به امروز برگزار می‌شود، این آداب و رسوم چنان با دین و باورهای دینی گره خورده است که دینی بودن یا غیر دینی بودن این آیین‌ها را نمی‌توان وجه تمایز آن‌ها دانست.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آذرگشسب، اردشیر، (۱۳۴۸)، *آیین کفن و دفن زرتشتیان*، تهران، نشر فروهر.
۲. ابن تیمیه، (م. ۱۹۸۶م)، *منهاج السنه النبویه فی نقص کلام الشیعه و القدریه*، ج ۲ تحقیق: محمد رشاد سالم، بیجا، جامعه الامام محمد بن سعود.
۳. ابن تیمیه (م. ۷۲۸ق)، *جامع المسائل*، به کوشش محمد عزیز، نشر دار عالم الفوائد.
۴. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، (م. ۷۵۱ق)، *زاد المعاد*، محقق ارنوط عبدالقادر- ارنوط شعیب، نشر موسسه الرساله، بیروت.
۵. احمدی، حمید، (۱۳۹۵)، *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*، تهران، انتشارات، نی.
۶. امینی، محمدباقر، (۱۳۹۲)، *منزلت زیارت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی*.
۷. *اوستا گزارش و پژوهش: جلیل دوستخواه*، (۱۳۸۶)، تهران، مروارید.
۸. برزآبادی فراهانی، (۱۳۹۰)، *مجتبی، سیزده به در، روز طبیعت از آغاز تا امروز*، انتشارات اوستا فراهانی.
۹. بهار، مهرداد، (۱۳۷۴)، *از اسطوره تا تاریخ، گردآوری دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور*، تهران، نشر چشمه.
۱۰. بویس، مری، (۱۳۷۶)، *تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران نشر توس.
۱۱. بهرامی، عسکر، (۱۳۸۷)، «ترحیم». *دایره‌المعارف اسلامی*. جلد پانزدهم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. پور داود، ابراهیم، (۱۳۷۷)، *یشت‌ها*، جلد اول، انتشارات اساطیر.
۱۳. سروشیان، مهوش، (۱۳۸۱)، *خوراکهای آیینی و سنتی زرتشتیان در ایران*، سروش پیر مغان.

۱۴. شعر دوست، علی اصغر، (۱۳۹۱)، *نوروز و سرچشمه آفرینش و تجدید حیات در ادیان و اساطیر*، نشر شهر یاران.
۱۵. شفیع، محمود، (۱۳۵۶)، *جشن نوروز در چهار محال، نخستین جلسات سخنرانی*، تهران، اداره کل نگارش.
۱۶. شور تهایم، المار، (۱۳۸۷)، *گسترش یک دین ایرانی در اروپا*، ترجمه نادرقلی درخشانی، تهران.
۱۷. رستگار فسائی، منصور، (۱۳۷۰)، «همه روزگار تو نوروز باد (پژوهشی درباره نوروز)» ادبستان فرهنگ و هنر، شماره ۲۷.
۱۸. رضازاده شفق، (۱۳۱۹)، *صادق، سه سخنرانی*، تهران، بی‌نا.
۱۹. رضی، هاشم، (۱۳۸۱)، *آئین مهر*، تهران، انتشارات بهجت.
۲۰. *روایت پهلوی*، (۱۳۶۷)، با تصحیح مهشید میرفخرایی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۲۱. دانای علمی، عباس (جهانگیر)، (۱۳۹۳)، *در هزار توی آیین‌ها*، انتشارات آرون، تهران.
۲۲. دهباشی، علی، (۱۳۸۸)، *نوروز (مجموعه مقالات)*، انتشارات افکار، تهران.
۲۳. فرنیغ، دادگی، (۱۳۶۹)، *بندهش*، ترجمه: مهرداد بهار، تهران: توس.
۲۴. کردی، عبدالله محمد امین، (۱۳۸۰)، *مکه و مدینه*، ترجمه حسین جباری، تهران، نشر مشعر.
۲۵. کلاتر، شهاب؛ شجاعی، میترا، (۷۸)، *سیزده به در سیزده به در جشن آب و سبزه*، پیوند *انسان و طبیعت*، روزنامه خرداد.
۲۶. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. گشتاسب، فرزانه، (۱۳۹۴)، «دخمه گذاری و آیین‌های آن در سنت متأخر زرتشتیان ایران»، *مجموعه مقالات کنفرانس ایران‌شناسی در فرانسه*، به کوشش صادق حیدری نیا، زهرا باصری، نگارستان اندیشه.
۲۸. گشتاسب، فرزانه، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹) «ستوش در متون فارسی میانه و آیین‌های زرتشتی»، سال اول، پایگاه مجلات تخصصی نور، ص ۹۹-۱۰۶.

۲۹. گزیده‌های زاداسپریم، (۱۳۶۶)، محمد تقی راشد محصل، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۰. مزداپور، کتایون، (۱۳۸۳)، «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زشتیان در ایران» مجله فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (ترجمه آلمانی این مقاله در مجموعه مقالات کنفرانس به چاپ رسیده‌است).
۳۱. مزداپور، کتایون، (۱۳۷۸)، داستان گرشاسپ، تهمورث و جمشید و گلشاه و متن‌های دیگر، آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی، تهران.
۳۲. محمدی ملایری، (۱۳۷۹)، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران، انتشارات توس.
۳۳. میرفخرایی (۱۳۸۶)، هادخت نسک، به کوشش مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۴. مینوی خرد، (۱۳۸۰)، احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران، انتشارات توس.
۳۵. مولایی، چنگیز، (۱۳۸۲)، بررسی فروردین یشت (سرود اوستایی در ستایش فروهرها)، تبریز، دانشگاه تبریز.
۳۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۰۷۰ق)، بحار الانوار، ج ۳۶، بیروت.
۳۷. جوادی، شهره، (۱۳۹۲)، مقاله بازخوانی (روایت باستانی «آب و درخت» در دوران اسلامی)، مجله هنر و تمدن شرق، شماره ۱.
۳۸. هادخت نسک، (۱۳۸۶)، به کوشش مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۹. هنری، مرتضی، (۱۳۸۵)، نوروزگان، گفتارها و سرودهایی در آیین نوروزی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۴۰. الهمدانی، رضا، (م. ۱۳۲۲ق)، مصباح النقیه، ج ۵، به کوشش باقری و دیگران، قم، ناشر موسسه الجعفریه لاجیاء التراث.

